

تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت: راهکارهایی برای آینده کتابداری و اطلاع‌رسانی^۱

غلامرضا فدایی عراقی^۲

دریافت: ۹۳/۰۶/۲۵

پذیرش: ۹۳/۱۱/۰۵

مقدمه

کتابداری و اطلاع‌رسانی دارای فقر نظری است و در این رابطه بحث‌های فراوانی توسط دانشمندان حوزه‌های مختلف و نیز پژوهشگران داخلی و خارجی کتابداری و اطلاع‌رسانی صورت گرفته و برای تعریف، جایگاه، و خاستگاه آن نظرهای گوناگونی ابراز شده است اما هنوز بحث پایان‌نیافته و اجماع و اتفاق نظری در این مورد به‌وقوع نپیوسته است. لازم به ذکر است که در عصر حاضر، و با توجه به قدرت و سیطره اطلاعات و ابزارهای الکترونیکی اطلاع‌رسانی، برای شناخت چیرستی اطلاعات کوشش‌های فراوانی صورت گرفته و متخصصان فلسفه علم، فلسفه تاریخ و اطلاعات نقطه نظراتی را بیان کرده‌اند؛ اما همچنان تا رسیدن به نقطه مطلوب راه درازی وجود دارد. علت این ناکامی به نظر می‌رسد بیش از آنکه مربوط به حوزه باشد مربوط به نوع نگاه و رویکردی است که به آن شده و می‌شود و خاستگاه، جایگاه، و تعریف آن، به‌گونه‌ای صحیح مورد پردازش قرار نگرفته است.

یکی از علت‌ها و شاید مهم‌ترین آنها این باشد که کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌عنوان یک رشته جدید دانشگاهی در عصر جدید سابقه طولانی ندارد و به‌ویژه آنکه در آغاز، حضور خود را به‌عنوان حرفه آغاز کرده و سپس تلاش‌های زیادی برای تبدیل آن به رشته دانشگاهی صورت گرفته است. ظهور فناوری‌های الکترونیکی و نقش آنها در اشاعه و انتقال اطلاعات برای حرکت دادن کتابداران در کشف واقعیت و هدایت، خود تأثیر فراوانی داشته است. پیوستگی و یا جدایی کتابداری با اطلاع‌رسانی نیز یکی از چالش‌های بزرگ بوده است ولی از آن‌جا که آغاز پیدایش کتابداری در غرب به‌عنوان حرفه و پس از آن، علم از کتابخانه

1. Nolin, J, & Åström, F (2010) Turning weakness into strength: strategies for future LIS. *Journal of Documentation*, 66 (1), 7 - 27.
۲. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تهران
ghfadaie@ut.ac.ir

بوده است همواره این مانع وجود داشته است که یک مکان - هر چند با انواع منابع علمی - چگونگی می تواند پایه های نظری برای یک حوزه علمی خلق کند. از این رو، حرفه بودن و پاسخ گویی به نیاز خدماتی صرف به علاقه مندان و نیازمندان اطلاعات، این رشته را از تمسک به اصولی قوی برای عرض اندام در میان سایر رشته ها بازمی دارد.

رویکرد جامعه محور برای کتابداری و اطلاع رسانی نیز هر چند دستاوردی برای آن داشته، ولی آن را به یک حرفه خدمت مدار تنزل داده است. از این رو، یا باید به خدماتی بودن حرفه کتابداری و اطلاع رسانی بسنده کرد و از تلاش برای حضوری علمی و پررنگ در صحنه های علمی و پژوهشی و دانشگاهی و طرح مباحث نظری در آن باز ایستاد، یا آنکه با بازنگری در مفهوم کتابداری و اطلاع رسانی، به ویژه با تغییر رویکرد، راهی دیگر برگزید. اگرچه در بحث اطلاع رسانی و روابط آن با کتابداری تلاش های زیادی صورت گرفته و افرادی چون بروکز^۱ (۱۹۷۴)، هریس^۲ (۱۹۸۶)، یورلند و آلبرتن^۳ (۱۹۹۵)، یورلند (۲۰۰۲ الف)، ویلسون^۴ (۲۰۰۳)، اینگورسن و جارولین^۵ (۲۰۰۵) اظهار نظرهایی کرده اند ولی اخیراً دو پژوهشگر، به نام های نالین و آستروم مقاله ای نوشته اند و برای کسب وجهه برای کتابداری و اطلاع رسانی در حوزه های نظری و علمی از طریق تبیین مشکلات آن به ارائه راه حل پرداخته اند. نگارنده با اخذ اصل مقاله از اینترنت و مطالعه آن علاقه مند شد تا پاسخی برای نظرات نویسندگان مقاله باز گو کند. به همین دلیل، خلاصه ای از نقطه نظرات مندرج در مقاله در ذیل مورد بررسی قرار گرفته است (اعداد داخل پرانتز اشاره به صفحات مقاله اصلی دارد).

نقد و نظر

کتابداری و اطلاع رسانی ذاتاً هویت جمعی مستقل ندارد و از زیربخش هایی پراکنده تشکیل شده است. تأکید نویسندگان بر کاربردی نبودن پژوهش های این حوزه در مقایسه با سایر حوزه های علمی و دانشگاهی است (ص ۷). آنها تلاش می کنند تا راهبردی برای ارتقای سطح این حوزه دست و پا کنند و به طور مثال می گویند: "اگر چه عدم اطمینان و وابستگی دو طرفه این حوزه با سایر حوزه ها نقطه ضعفی برای این رشته است ولی اظهار امیدواری می کنند که این نقطه ضعف بدل به قوت شود. همچنین آنان از سازمان های مختلف بنام کتابخانه در ابعاد کوچک و بزرگ یاد می کنند که خود مانع دیگری برای احتساب رشته کتابداری و اطلاع رسانی به عنوان یک رشته دانشگاهی است. آن گاه مشکلات موجود کتابداری و اطلاع رسانی را به ده مقوله و در دو بخش کلی تقسیم میکنند که چهار مورد اول را به تعریف و مرزهای مبهم رشته، و شش مورد باقیمانده را به گسیختگی و چندپارگی اجزای رشته نسبت می دهند (ص ۱۱).

چهار مشکل اول (از نظر نویسندگان) که به نوعی حالت علت و معلولی نسبت به

1. Brooks
2. Harris
3. Hjørland and Albrechtsen
4. Wilson
5. Ingwersen and Jarvelin

هم دارند، عبارت‌اند از اینکه خاستگاه رشته از عمل برمیخیزد؛ به این معنا که کتابخانه محل خدمت و انجام اعمال خدماتی است و این امر به نوعی وابستگی عملی و کاربردی رشته را نشان می‌دهد. دومین مشکل عمده این رشته اتکا بر فعالیتهای عملی است که باعث تأخیر آن در ورود به سطح علمی دانشگاهی شده است. سومین مشکل بلوغ دیررس رشته برای تبدیل به یک رشته علمی و دانشگاهی است. چهارمین آن، رابطه پیچیده بین کتابداری و اطلاع‌رسانی است^۱. به این معنا که آیا با پیوندی قوی به یکدیگر دو رشته جداگانه‌اند (ساراسویک^۱، ۱۹۹۹)، و یا کتابداری به‌عنوان یک فعالیت از نوع پژوهش و توسعه‌ای درون اطلاع‌رسانی قرار دارد (اینگورسن^۲، ۱۹۹۲).

شش مشکل بعدی از نظر نویسندگان مقاله که حکایت از چندپارگی رشته دارد به شرح زیر است: نخست، وجود زیربخش‌های فراوانی در این حوزه که از آن به مشکل عدم یکپارچگی یاد کرده‌اند. مشکل دوم، این است که هریک از زیربخش‌های آن، خود خاصیت میان‌رشته‌ای دارند؛ به‌طور مثال، اطلاع‌سنجی و تحقیقات بازاریابی اطلاعات خود ویژگی میان‌رشته‌ای دارند که همکاری علمی و مبادله را مشکل می‌کنند. مشکل سوم، این است که کتابداری و اطلاع‌رسانی از سایر حوزه‌ها تغذیه می‌کند و ایده‌های نظری خود را از سایر علوم می‌گیرد. این مشکل را مشکل واگرایی^۳ می‌نامند. چهارمین مشکل در این بخش، این است که پژوهش‌های اطلاع‌رسانی عمدتاً از حوزه‌های علمی گوناگون وام می‌گیرد که این امر باعث هجوم سایر حوزه‌های علمی به کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌شود. آنها این مشکل را مشکل رقابت می‌نامند. پنجمین مشکل، فراوانی حوزه‌های پژوهشی در کتابداری و اطلاع‌رسانی است؛ به این معنا که همچنان که در سطح ملی نیاز به پژوهش است در سطح دانشگاهی نیز باید پژوهش‌ها انجام شود و این خود باعث پراکندگی حوزه‌های پژوهشی می‌شود. آخرین مشکل از نظر آنان این است که بعضی از دیپارتمان‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی بسیار کوچک‌اند و بعضی دیگر بسیار بزرگ. این امر سبب شده است تا بعضی از مدرسه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی مانند آنچه در دانشگاه‌های کلمبیا و شیکاگو بودند از بین بروند. سپس این دو نویسنده تلاش می‌کنند تا نشان دهند که همین نقاط ضعف را می‌توان به قوت تبدیل کرد. آنها در ضمن مباحث خود از نقاط عطف^۴ در تاریخ کتابداری و اطلاع‌رسانی یاد می‌کنند که از آن جمله است:

نقطه عطف شناختی (بلکین^۵، ۱۹۹۰؛ اینگورسن، ۱۹۹۲)، نقطه عطف اطلاعاتی (ووترز^۶، ۲۰۰۷)، نقطه عطف کاربرمحور (زوینگ^۷، ۱۹۷۶؛ دروین^۸، ۱۹۸۹؛ دارلیمپل^۹، ۲۰۰۱؛ تالیا و هارتل^{۱۰}، ۲۰۰۷)، نقطه عطف معرفت‌شناختی (برایر^{۱۱})، نقطه عطف تاریخی (ریوارد^۱، ۲۰۰۴)، نقطه عطف عمل‌گرایی (یورلند^۲، ۲۰۰۰).

1. Saracevic
2. Ingwersen
3. Divergent
4. Turn
5. Belkin
6. Wouters
7. Zweizig
8. Dervin
9. Darlymple
10. Talja & Hartel
11. Brier

علاوه بر آن، نویسندگان این مقاله سه نقطه عطف دیگر پیشنهاد می‌کنند که نام آنها را نقطه عطف واگرا و همگرا نامیده‌اند. نقطه عطف همگرا را نیز به دو قسمت همگرای ضعیف و همگرای قوی تقسیم شده است. آنها معتقدند که تنها نقطه عطف همگرای قوی که جنبشی اجتماعی و شناختی است می‌تواند وسیله‌ای برای تقویت واقعی این حوزه باشد؛ زیرا در آن حمایتی وسیع از پژوهش‌های نظری و فعالیت‌های عملی صورت می‌گیرد. به همین دلیل، برای توفیق در این مسیر توجه به شش محور زیر را پیشنهاد می‌دهند:

نگرش جدید باید مبنای معرفت‌شناختی تازه‌ای را مورد مشارکت قرار دهد؛

نگرش جدید که نقطه عطف همگرایی است باید به محرک معنوی تبدیل شود؛

نقطه عطف همگرا باید انتخاب‌های بخردانه پیشنهاد کند؛

نقطه عطف همگرا باید سرمایه اجتماعی و شناختی قوی تدارک کند؛

پژوهشگران با جایگاه^۳ بالا در حوزه باید نقطه عطفی همگرا پیشنهاد کنند؛

نقطه نظر جدید باید با یک سنت خارجی قوی پشتیبانی شود (ص ۱۸).

مثالهایی از چرخش تاریخی و جاری با توانایی قوی از همگرایی در داخل حوزه

کتابداری و اطلاع‌رسانی از نظر آنان می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

از نظر شناختی (بلکین، ۱۹۹۰)، که متعاقب انقلاب شناختی در داخل حوزه روان‌شناسی

رخ داد (میلر^۴، ۲۰۰۳) از تأثیر پوزیتیویسم به دور باشد (هریس^۵، ۱۹۸۶، ویلسون^۶، ۲۰۰۳)،

نقطه عطف در مسیری باشد که از انسان و نه فناوری سرچشمه گیرد (ساراسویک،

۱۹۹۲)،

عمل‌گرا باشد (یورلند^۷، ۲۰۰۲ ب) و شامل نقطه نظر توسعه شناختی باشد (اینگورسن

و جاورلین^۸، ۲۰۰۵).

در مجموع، مقاله خوب دسته‌بندی شده است و ضمن برشمردن ده مورد حساس از

نقاط ضعف، آن را به دو بخش اصلی تقسیم کرده است که عبارت از داشتن تعریف مبهم و

چندپارگی است. در کنار این مشکلات عمده، مسائل دیگری را نیز مطرح کرده است که قابل

توجه است. از جمله اینکه آنها می‌گویند "رشته‌های دیگر با این رشته رقابت دارند" (ص

۱۳). در مقابل، سایر رشته‌ها مانند کامپیوتر نیز از اطلاع‌رسانی بهره می‌گیرند (ص ۱۴). اگر

چه آنها خوشبین‌اند و رقابت را به نوعی همکاری تعبیر می‌کنند و آن را نقطه مثبت می‌بینند

(ص ۱۴)، ولی واضح است که بحث رقابت در جایی مطرح است که پایه‌های اولیه یعنی

تعریف مسئله و چندپارگی حل شده باشد.

نویسندگان در عین حال، دو راه حل پیشنهاد می‌کنند: یکی اینکه می‌گویند "یا رشته و

حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی باید باز عمل کند و با همه رشته‌های دیگر تعامل داشته باشد،

1. Rayward
2. Hjørland
3. Status
4. Miller
5. Harris
6. Wilson
7. Hjørland
8. Ingwersen & Järvelin

و یا بر عکس خشک باشد و از تعامل بپرهیزد و شاید بر طبق نظر کوهن^۱ (۱۹۷۰) به طور مثال، متکی به نظریه تغییر پارادایم باشد" (ص ۱۶ تا آخر). یعنی باید اتفاقی بیفتد تا کتابداری و اطلاع‌رسانی هویت دوباره خود را باز یابد.

در بخش بعدی مقاله، نویسندگان با مطرح کردن واگرایی و همگرایی و با توضیح این دو مطلب، واگرایی را نمی‌پسندند و آن را کنار می‌نهند. استدلال آنها این است که چون خاصیت بین‌رشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی قوی است، لذا با تمسک به اصل واگرایی این رشته در سایر رشته‌ها حل می‌شود و اثری از آن باقی نمی‌ماند (ص ۱۷). بنابراین، راه‌حل نهایی آنها همگرایی عناصر این رشته است. نویسندگان تجمیع مباحث معرفت‌شناختی را نقطه قوت این رشته می‌دانند (ص ۱۸). ولی باز به بین‌رشته‌ای بودن آن و دور از واقعیت رشته بودن این حوزه اشاره می‌کنند و اینکه با توجه به شبکه‌ای شدن اطلاعات (ص ۲۰) و نفوذ در سایر رشته‌ها و با توجه به مقوله جهانی شدن، چالش همچنان بر جای خود باقی است (ص ۲۱). در عین حال، آنها اشاره می‌کنند که به دلیل ضعف بنیادی رشته، این حوزه، همانند پرستاری دیر وارد دانشگاه شده و بحث‌های آکادمیک آن در سال‌های اخیر شکل گرفته است (ص ۲۰). به عنوان مثال، از روان‌شناسی اصولی را به عاریت گرفته است (ص ۲۱).

از نکات جالب مقاله آنها، توجه به پاره‌ای از نقاط عطف در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است؛ که "اطلاعات می‌تواند در زمان حال صادر کننده باشد" (ص ۲۲)، به این معنا که اطلاع، از آن این رشته است؛ در عین حال، می‌بینیم که همه رشته‌ها به نوعی از اطلاعات استفاده می‌کنند و یا اطلاعات، با دانش رابطه دارد و در نهایت اطلاعات به دانش که مورد استفاده و استناد هر حوزه علمی است تبدیل می‌شود (ص ۲۳)؛ و با اینکه این حوزه دارای امکانات فراوان است اما اظهار می‌کنند که "بدون خوداتکایی نمی‌توان کاری از پیش برد" (ص ۲۳). در هر حال، نویسندگان معتقدند که نقطه عطف اطلاعاتی نقطه عطف معرفت‌شناختی است (ص ۲۳)، به این معنا که اطلاعات با معرفت و مبانی آن به گونه‌ای مرتبط است.

در پایان، نویسندگان چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که به دلیل آنکه اولاً اطلاعات در طول تاریخ از مناظر مختلف مطالعه و بررسی شده، و ثانیاً رشته‌های مختلف درباره اطلاعات کار کرده‌اند و در آن نظر دارند حوزه ما می‌تواند نقطه اتکایی برای آنها باشد. ثالثاً از آنجا که ما سستی قوی از تفکر داریم که باعث می‌شود به طور اساسی در کنار سایر حوزه‌ها کار کنیم تا آنها از منابع ما به سود خود استفاده کنند می‌توانیم محلی از اعراب داشته باشیم.

1. Kuhn

بحث

با آنکه بحث نویسندگان مقاله که تقریباً حاصل و برآیند همه پژوهش‌های مرتبط در این حوزه است - چون این مقاله در سال ۲۰۱۰ چاپ و منتشر شده است - و با آنکه نقاط مثبت در مقاله فراوان است اما به نظر نمی‌رسد بتواند مشکل بنیادی و نظری این حوزه را حل کند. زیرا بحث اطلاعات و معرفت را که در همه رشته‌ها کاربرد دارد، به حوزه اطلاع‌رسانی اختصاص دادن مدعای بدون دلیل است و مخالفان فراوانی ممکن است داشته باشد. همچنین تعامل با سایر رشته‌ها به دلیل وجود اطلاعات و منابع اطلاعاتی در این حوزه باز نمی‌تواند دستاویزی قوی برای این حوزه علمی باشد. آنچه مهم است این است که علی‌رغم تلاش دانشمندان و اظهار نظرهای گوناگون و بررسی ویژگی‌های این رشته از منظر معرفت‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخی و اطلاعاتی و مانند آن باز نمی‌تواند همچون سایر رشته‌ها و حوزه‌ها به‌عنوان یک رشته قوی علمی بر روی پای خود بایستد.

نگارنده این سطور، چنین می‌اندیشد که چنانچه نگاه به حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی عوض شود بسیاری از مشکلات آن حل خواهد شد. چنانچه قبلاً نیز به آن پرداخته شده است (فدائی، ۱۳۸۹). نگارنده، کتابداری و اطلاع‌رسانی را زائیده کتابخانه نمی‌داند و آن را نیز منحصر به دلیل وجود اطلاعات، که پایه و مبنای معرفت‌شناسی است، محدود نمی‌کند؛ بلکه این رشته را از دو منظر مورد مطالعه قرار می‌دهد و آن خاستگاه و جایگاه آن است. خاستگاه آن به ذات انسان و نیاز او به بازیابی اطلاعات بر می‌گردد. به این معنا که انسان ذاتاً برای اداره و پیشرفت در زندگی خود به اطلاعات صحیح و درست و به موقع نیاز دارد؛ و این حاصل نخواهد شد مگر با بازیابی درست آن. بنابراین، چون ما هر چیزی را یاد می‌گیریم که از آن استفاده کنیم لذا آن را به خاطر می‌سپاریم تا آن را بازیابی کنیم. پس، در این صورت حافظه انسانی اولین کتابخانه است چه کتابخانه فیزیکی و یا مجازی داشته باشیم و یا نداشته باشیم. حتی مفهوم "کلی" که مبدأ و سرآغاز معرفت‌شناسی است از طریق طبقه‌بندی که اصلی اساسی برای حفظ و نگهداری مفاهیم و سپردن آن به حافظه برای بازیابی است شکل می‌گیرد. نحوه تشکیل کلی به شرح زیر است (فدائی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴-۱۵۵):

در این مرحله که کار هر کس نیست و معمولاً افراد باسواد و یا متفکران و فیلسوفان این کار را انجام می‌دهند عمل انتزاع صورت می‌گیرد، یعنی در نظر گرفتن صفتی یا صفاتی برای یک شیء. به‌طور مثال، سفیدی برای اجسام سفید، چهار گوش بودن برای اجسام چهار گوش و مانند آن. این صفات هم، کلیات‌اند و از این جا وارد بحث منطق و معرفت‌شناسی به معنای اخص آن می‌شویم. در این مرحله به تعبیر فلاسفه اسلامی (سبزواری، ۱۳۹۶ ق.) ما پاسخ به سوال "ما" داده‌ایم!

۱. در منظومه سبزواری آمده است: اُس
المطالب ثلاثة علم مطلب هل مطلب ما
مطلب م. که بنظر میرسد سبزواری هم
در "مطلب هل" همانند ذهنی‌گرایان عمل
کرده است.

این نام‌ها و صفات همان کلیات انتزاع شده هستند که در واقع قدر مشترک صفت و یا صفاتی است که اشیاء مشابه دارند. این صفات مشترک با آن‌که با ذات هر یک از آحاد هر نوع عجین است ولی در تحلیلی ذهنی، ما آنها را از هم جدا می‌کنیم و به خود آن اشیاء نسبت می‌دهیم. در واقع، با حمل شایع صناعی (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۴۲) (عرضی به قول حائری، ۱۳۶۱) ما چیزی را به چیزی نسبت داده و به این طریق معلومات خود را نسبت به آنها افزایش می‌دهیم. یعنی آنچه را که خود شیء دارد برای آن‌که نوعی تحلیل داشته باشیم از خودش اخذ و به خودش مجدداً نسبت می‌دهیم و به تعبیری بازشناسی می‌کنیم. قضایای خارجی (سلیمانی امیری، ۱۳۸۸) مرسوم را می‌توان در این مرحله قرار داد.

همین‌طور می‌توانیم با در نظر گرفتن نوع، صفاتی را که از گروه‌بندی‌ها انتزاع کرده‌ایم به آنها نسبت دهیم. قضایای طبیعی^۱ را می‌توان در این جا منظور کرد. مثل گل در هوای سرد پژمرده می‌شود. در این مرحله با انتخاب صفات و ویژگی‌های مشترک بین انواع خاص و با توجه به نوع نگاه و رویکردی که در ابعاد گوناگون به واقعیت‌های خارجی داریم آنها را تعریف می‌کنیم.

این مباحث، نوع نگاه را تبیین می‌کند به این عنوان که ما می‌آموزیم که بازیابی کنیم و اولین مفاهیمی که یاد می‌گیریم خود مقوله و کلی‌اند و ما آنها را به خاطر می‌سپاریم یعنی در حافظه قرار می‌دهیم که بازیابی کنیم و رمز و سرآغاز اهمیت این رشته در همین بازیابی مفاهیم نهفته است. من بحث کلی و مفهوم را هسته اولیه ذخیره و بازیابی می‌دانم و ربط کتابداری و اطلاع‌رسانی را با آغازین‌ترین مراحل معرفت‌شناسی پیوند می‌دهم.

بنابراین، بازیابی اطلاعات به‌عنوان محوری‌ترین تعریف برای حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی نیاز ذاتی بشر است و از او جدا نیست. وقتی چنین نگاهی به اطلاعات داشته باشیم دیگر مقید به حضور و وجود کتابخانه به‌عنوان یک واقعیت فیزیکی نیستیم. بازیابی اطلاعات به‌عنوان یک اصل بدیهی در زندگی است. از این رو مشکل بزرگی که بسیاری با آن مواجه‌اند تلقی حرفه‌مدارانه کتابداری و اطلاع‌رسانی است که با این بازتعریف به نوعی حل می‌شود؛ به این معنا که کار اطلاع‌رسانی و کتابداری از کتابخانه شروع نمی‌شود بلکه با ذات انسان و نیازمندی او به بازیابی اطلاعات برای استفاده عجین است. همچنان که پزشکی از بیمارستان بر نمی‌خیزد و یا علوم نظامی از پادگان آغاز نمی‌شود.

عمده‌مطلب در اینجا است که بازیابی اطلاعات با ذات و نیاز انسان آمیخته است و هرگونه فعالیت در این زمینه به‌عنوان مسائل مرتبط با آن باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و باز کاوی شود. همانند همه علوم دیگر که علاوه بر داشتن موضوع، دارای مسائلی هستند و در طول زمان دست‌خوش تغییر و تحول می‌شوند. نظر و عمل هم،

۱. مفاد قضیه طبیعی مانند "الانسان نوع" این است که ماهیت انسان در طرف ذهن نوع است. این قضیه اصلاً نظر به خارج ندارد. اما وقتی در قضیه حقیقه حکم می‌کنیم: "کلان سنضحک بالقوه" نظر به خارج داریم. بنابراین حکم برای افراد است، لکن افراد با وساطت ماهیت تصور می‌شود (عسکری سلیمانی امیری، ۱۳۸۸، ص ۹۵).

بر خلاف آنچه عده‌ای از فلاسفه می‌گویند از هم جدا نیستند. هیچ نظری بدون عمل نیست و هیچ عملی فاقد نظر نیست (فدائی، ۱۳۸۴).

نکته دوم، جایگاه این رشته است که در کنار معرفت‌شناسی قرار دارد، لذا از آن می‌توان به فراعلم تعبیر کرد. همچنان که زینس^۱ (۲۰۰۷) هم به نوعی در درخت دانش خود به این امر مهم رسیده است.

این رشته، علمی است که از شناخت اجمالی و کلی دانش (طبقه‌بندی) و روابط طولی و عرضی اصطلاحات تخصصی در حوزه‌های مختلف به منظور بازیابی سریع اطلاعات با توجه به صحت، سرعت، دقت و صرفه برای تصمیم‌گیری کاربران نیازمند و اخذ بازخورد بحث میکند (فدائی، ۱۳۸۹).

در این تعریف، با قید علم، حرفه خارج می‌شود، اگرچه حرفه در متن مباحث علمی حضور دارد. با قید شناخت اجمالی دانش (طبقه‌بندی)، چیستی دانش که موضوع علم فلسفه است، و نیز آموزش و یادگیری دانش به صورت کلی که موضوع علم آموزش و پرورش است خارج می‌شوند. با قید روابط طولی و عرضی اصطلاحات، ربط و ربط‌شناسی، نمایه‌سازی، اصطلاح‌شناسی و تا حدودی معناشناسی داخل، و علم لغت و زبان و ادبیات و ارتباطات خارج می‌شود، و با قید تخصصی، بحث روابط عامیانه اصطلاحات که ممکن است موضوع بحث فرهنگ عامیانه و فولکلور باشد خارج می‌شود. قید به منظور بازیابی سریع، مدیریت اطلاعات و نیز استفاده از فناوری را شامل می‌شود، چون بدون مدیریت صحیح و استفاده از فناوری نمی‌توان سرعت دسترسی را تحقق بخشید. با قید دقت، ربط، و علم‌سنجی، با صحت، منابع مرجع، و با قید صرفه، اقتصاد اطلاعات داخل می‌شود. از آنجا که کتابخانه، ابزاری در جهت دسترسی سریع اطلاعات و دانش است به کارگیری همه فنون و دانشی که در راه استفاده بهینه از این ابزار اجتماعی مؤثر است در این تعریف داخل است. رفتار اطلاع‌یابی و مانند آن که در مسیر تحقق استفاده سریع است داخل این تعریف خواهد بود. البته می‌توان جهت اخذ تصمیم و اخذ بازخورد را به تعریف افزوده تا صبغه مدیریتی این رشته را نیز تقویت کرده باشیم.

اگر به بحث دو نویسنده مقاله توجه شود می‌بینیم که قسمت عمده بحث آنها مربوط به دو مقوله ابهام در تعریف و چندپارگی کتابداری و اطلاع‌رسانی است. با آنکه آنان تلاش کرده‌اند تا از نقاط ضعف، قوت بسازند و به قول معروف، تهدیدها را تبدیل به فرصت کنند اما به نظر می‌رسد تا با رویکردی جدید به این حوزه علمی توجه نشود توفیقی حاصل نمی‌شود. زیرا اگر به تعاریف گوناگونی که برای کتابداری، اطلاع‌رسانی و روابط آن دو در طول حیات این دو رشته شده (رهادوست، ۱۳۸۶) توجه کنیم، بحث‌های چالش‌برانگیز

I.Zins

همچنان به قوت خود باقی است و اظهار امیدواری نمی‌تواند مشکلی را حل کند. بنابراین، به نظر می‌رسد باید در تعریف، خاستگاه و جایگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی تجدید نظر کرد. زیرا اگر کتابداری و به دنبال آن اطلاع‌رسانی را برگرفته از کتابخانه به عنوان یک مکان فیزیکی که در آن کتاب‌ها و یا سایر موارد جمع شده‌اند بدانیم، ناگزیر باید آن را حرفه‌مند و عملگرا بنامیم. کما اینکه مشکل اول این دو نویسنده و مشکلات بعدی آن نیز ناظر به همین حرفه‌مند بودن رشته است. بسیاری از متخصصان و صاحب‌نظران نیز در خارج و داخل کشور به سبب همین ویژگی رشته را بیشتر "حرفه" می‌نامند تا یک حوزه علمی دانشگاهی؛ در حالی که با نگاه دقیق به مسئله متوجه خواهیم شد که مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی نه مخلوق کتابخانه به عنوان یک مکان، بلکه کتابخانه خود مولود تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی است که مفهومی بسی برتر و وسیع‌تر و مقدم‌تر از کتابخانه دارد. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته‌ام و دیگران نیز گفته‌اند کتابداری و اطلاع‌رسانی به فقر مبانی نظری مبتلاست (فدائی، ۱۳۸۹). تنها تعویض نام مشکلی را حل نمی‌کند. نویسنده در این مقاله از شش جنبه، حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی را بررسی و درباره آنها پیشنهادهایی ارائه می‌کند. این شش جنبه عبارت‌اند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام‌هایی برای مشاغلی که این حوزه ملزم به تربیت افراد برای آن مشاغل است.

مشکل عمده دومی که نالین و آستروم مطرح می‌کنند این است که "چندپارگی کتابداری و اطلاع‌رسانی را نیز محصول نوع نگرش به این حوزه می‌دانند. وقتی ما آن را میان رشته بدانیم، بدون آنکه تعریف مشخصی از آن به عنوان رشته بدست بدهیم نتیجه این خواهد شد که اقرار کنیم که این رشته آنچه دارد از دیگر حوزه‌ها وام گرفته است. این مسئله، با ظهور فناوری رنگ و قوت بیشتری گرفته است و اشکال هم وارد بوده است". در حالی که اگر برای آن تعریف دقیق‌تر قائل شویم، و همچنان که گفته شد آن را رشته‌ای بنامیم که همچون سایر رشته‌های علوم انسانی واجد خواص میان رشته‌ای هم هست، دیگر ناچار نخواهیم بود به چندپارگی آن اشاره کنیم.

علی‌رغم میل و یا تکرار عده‌ای که مشتاقانه و رضایت‌مندانه کتابداری و اطلاع‌رسانی را میان رشته می‌دانند، نویسنده استدلال می‌کند که تا رشته‌ای نباشد "میان رشته" مفهومی ندارد. میان رشته‌گی پاسخی به یک‌سونگری پوزیتیویسم و فروگاهی مسائل اجتماعی و انسانی به علوم طبیعی است. زیرا از زمانی که نارسایی پژوهش در علوم انسانی با محوریت پوزیتیویسم مطرح شد، مسئله میان رشته‌گی نیز قوت گرفت. در واقع، بحث بر روی مسائل انسانی و

اجتماعی جز از طریق نگاه‌های همه جانبه میسر نیست. بنابراین، میان‌رشتگی نفی رشته‌بودن نیست بلکه نقد و تکمیل آن است. از این رو، کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز اگر بخواهد به‌عنوان یک حوزه علمی مطرح باشد در آغاز باید رشته باشد تا سپس بتواند با سایر رشته‌ها به ویژه رشته‌های علوم انسانی و یا دیگر رشته‌ها تعامل کند. در عین حال، اثبات رشته‌بودن برای کتابداری و اطلاع‌رسانی با تعاریف موجود امکان‌پذیر نیست و باید با تعریف جدیدی از آن این مسئله را حل کرد (فدائی، ۱۳۸۹).

لذا به نظر می‌رسد که کتابداری و اطلاع‌رسانی یک علم است. افراد شاغل در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی شاغل به حرفه هم هستند؛ ولی این مانع از علمی بودن آن نمی‌شود. زیرا مثل پزشکان که حرفه پزشکی دارند اما علم پزشکی نیز بر سر جای خود باقی است، و این علم محصول نیاز انسان به سلامت است. یا مثل علوم تغذیه عهده‌دار نیاز انسان به غذاهای سالم است ضمن اینکه فروشندگان مواد غذایی به حرفه‌های ذیربط نیز شاغل‌اند. کتابداران و اطلاع‌رسانان اگرچه حرفه‌مندند و در جایگاه مرتبط به خدمت‌رسانی مشغول‌اند اما این خدمات حاصل نیاز انسان به بازیابی اطلاعات است که قبل از تأسیس سازمان و تشکیلات حرفه‌ای همچنان وجود داشته و هست و خواهد بود؛ و اگر روزی چنین سازمان‌هایی - به فرض محال - محو شوند باز هم نیازمندی به بازیابی اطلاعات درست برای انجام کاری مناسب هرگز از میان نخواهد رفت. از این رو، بحث درباره ربط، اقتصاد اطلاعات، رفتارهای اطلاع‌یابی و اطلاع‌جویی، مشاوره اطلاعاتی، کتاب‌سنجی، علم‌سنجی و انواع آن، طبقه‌بندی علوم، نمایه‌سازی و اصطلاح‌نامه‌نویسی، استفاده از انواع فناوری‌ها و دیگر شئون همه حول محور بازیابی اطلاعات به‌عنوان شاخصه اصلی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌چرخند، و نه تنها گسیختگی و چندپارگی مشاهده نمی‌شود بلکه سایر حوزه‌ها در بازیابی سریع و صحیح اطلاعات باید از این رشته کمک بگیرند.

لذا به نظر می‌رسد که با این تعریف و روشن شدن خاستگاه و جایگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی، این رشته، علمی خواهد بود که هم دارای اهداف نظری است و هم مرزهای مشخص و روشن عملی دارد و چندپارگی و گسیختگی در زیرمجموعه‌هایش دیده نمی‌شود. البته در جهان امروز، تعامل و شرایط بین رشته‌ها امری بدیهی است؛ علوم از یکدیگر وام می‌گیرند و به یکدیگر وام می‌دهند و این ضروری به هویت این رشته وارد نمی‌کند. با این تعریف بحث چند پارگی این رشته به‌عنوان چالش عمده دیگری که مورد توجه این دو نویسنده بوده و بسیاری دیگر هم به آن اذعان کرده‌اند حل می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به مقاله خوب نالین و آستروم و نقاط مثبت آن، اما راه‌حل‌های ارائه شده نمی‌تواند چندان مورد قبول واقع شود. مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی برگرفته از شکل فیزیکی کتابخانه یا حتی مجازی آن نیست؛ بلکه از نیاز انسان به بازیابی اطلاعات سرچشمه می‌گیرد و بحث پژوهش بر روی چگونگی بازیابی سریع، صحیح و به موقع اطلاعات، هم جنبه نظری دارد و هم منتج به عمل می‌شود. همچنانکه همه رشته‌های علوم انسانی چنین‌اند. می‌توان گفت تمامی علوم، و به‌ویژه علوم انسانی، همگی دارای خواص میان‌رشته‌ای هستند. زیرا انسان موجودی یک بعدی نیست و دارای جنبه‌ها و زوایا و ابعاد بسیار وسیع و گسترده است. از این نظر، هر رشته از رشته‌های علوم انسانی ذاتاً دارای خاصیت میان‌رشته‌ای است؛ و کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز به‌عنوان یکی از حوزه‌های علوم انسانی علاوه بر رشته‌ای بودن طبعاً دارای خواص میان‌رشته‌ای نیز هست.

مآخذ

- احمدی، احمد (۱۳۸۸). بن‌لایه‌های شناخت. تهران: سمت.
- حائری، مرتضی (۱۳۶۱). کاوشهای عقل نظری. تهران: امیرکبیر
- رهادوست، فاطمه (۱۳۸۶). فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: کتابدار.
- سبزواری، ملاهادی (۱۲۹۶ ق.). منظومه حکمت. تهران: بی‌جا.
- سلیمانی امیری، عسکری (۱۳۸۸). منطق و شناخت‌شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۴). علم و عمل در جلوه معرفت. ارائه شده در بزرگداشت آیه‌الله مدنی، تبریز.
- (۱۳۸۷). علم و ادراک و نحوه تشکیل آن. معرفت فلسفی، ۶ (۲)، ۱۳۱-۱۶۴.
- (۱۳۸۹). طرحی نو در طبقه‌بندی علوم. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- (۱۳۸۹). کتابداری و اطلاع‌رسانی؛ رشته یا میان رشته. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۲ (۲)، ۱-۱۸.
- (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر هویت کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- لیس، دیوید؛ آلن، تام؛ و ویلسون، تام (۱۳۸۱). علم اطلاع‌رسانی و نظامهای اطلاعاتی: موضوعاتی مرتبط، رشته‌هایی جدا. ترجمه رحمت‌الله فتاحی. در مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی (گزیده مقالات) / به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۸۵-۱۲۰.
- Belkin, N. J. (1990). The cognitive view point in information science. *Journal of Informa-*

- tion Science*, 16, 11-15.
- Brier, S. (2003). The cybersemiotic model of communication: an evolutionary view on the threshold between semiosis and informational exchange. *TripleC*, 1 (1) 71-94.
- Brookes, B. C. (1974). The fundamental problem of information science. In Horsnell, V. (Ed.), *Informatics 2: Proceedings of a conference held by the Aslib co-ordinate indexing group on 25-27 March 1974 at New College Oxford*, 42-49. London: Aslib.
- Budd, J. M. (2001). Information seeking in theory and practice; rethinking public services in libraries. *Reference & User Services Quarterly*, 40 (3), 256-263.
- Dalrymple, P. W. (2001). A quarter century of user-centered study: the impact of Zweizig and Dervin on LIS research. *Library & Information Science Research*, 23, 155-165.
- Dervin, B. (1989). Users as research inventions: How research categories perpetuate inequities. *Journal of Communication*, 39, 216-232.
- Harris, M. H. (1986). The dialectic of defeat: Antinomies in research in library and information science. *Library Trends*, 34 (3) 515-531.
- Hjørland, B. (2000). Library and Information Science: Practice, theory, and philosophical basis. *Information Processing and Management*, 36 (3), 501-531.
- Hjørland, B. (2002a), Epistemology and the Socio-Cognitive Perspective in Information Science. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 53 (4), 257-270.
- (2002b). Epistemology and the socio-cognitive perspective in information science. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 53 (4) 257-270.
- Hjørland, B., & Albrechtsen, H. (1995). Toward a new horizon in information science: Domain analysis. *The Journal of the American Society for Information Science*, 46 (6) 400-426.
- Ingwersen, P. (1992). Information and information science in context. *Libri*, 42 (2), 99-135.
- Ingwersen, P., & Järvelin, K. (2005). *The turn: Integration of information seeking and retrieval in context*. Dordrecht: Springer.
- Kuhn, T. (1970). *The structure of scientific revolutions (2nd Ed)*. Enlarged, Chicago: University Of Chicago Press.

- Miller, G. A. (2003). The cognitive revolution: a historical perspective. *TRENDS in Cognitive Science*, 7 (3) 141-144.
- Nolin, J., & Astrom, F. (2010). Turning weakness into strength: strategies for future LIS. *Journal of Documentation*, 66 (1), 7-27.
- Rayward, W. B. (2004). Scientific and technological information systems in their many contexts: the imperatives, clarifications, an inevitability of historical study. In Rayward, W. B. & Bowden, M. E. (eds.), *The History and Heritage of Scientific and Technological Information Systems: Proceedings of the 2002 Conference*, (1-11). Medford, NJ: Information Today.
- Saracevic, T. (1999). Information science. *Journal of the American Society for Information Science*, 50 (12) 1051-1063.
- (2010). Turning weakness into strength: strategies for future LIS. *Journal of Documentation*, 66 (1), 7-27.
- Talja, S., & Hartel, J. (2007). Revisiting the user-centered turn in information science research: an intellectual history perspective. *Information Research*, 12 (4). Retrieved Feb, 10, 2009, from <http://InformationR.net/ir/12-4/colis/colis04.html>
- Vakkari, P., & Cronin, B. (Eds) (1996). *Conception of library and Information Science: Historical, Empirical and Theoretical Perspectives*, (5-27). London: Taylor Graham.
- Weaver, W., & Shannon, C. E. (1963). *The Mathematical Theory of Communication*. University of Illinois Press. Retrieved 26 Aug., 2015, from http://books.google.com/?id=dk0n_eGcq5UC&pg=PP1&dq=inauthor:shannon+inauthor:weaver
- Wilson, T. D. (2003). Philosophical foundations and research relevance: Issues for information research. *Journal of information science*, 29 (6) 445-452.
- Wouters, P. (2007). The information turn: on the implications of digital research objects for the humanities and social sciences. *Keynote paper presented at the Sixth Conference on Conceptions of Library and Information Science (CoLIS6): 'Featuring the Future'* 13-16 August, Borås, Sweden, T.D. Wilson, University of Sheffield.
- Zins, C. (2007). Conception of Information Science. *JASIST*, 58 (3), 645-672.
- Zweizig, D. L. (1976). With our eye on the user: Needed research for information and referral in the public library. *Drexel Library Quarterly*, 12, 48-58.